

# تحلیل تورم در ایران و راهکارهای مهار آن

الناز باقرپور اسکویی<sup>۱</sup>

## چکیده

برخی تحلیلگران و حتی سیاست‌گذاران استدلال می‌کنند ماهیت تورم در اقتصاد ایران، پولی است که ریشه در رشد نقدینگی دارد. نقدینگی نیز معلول رشد پایه پولی است. رشد پایه پولی نیز عمدتاً تحت تأثیر کسری بودجه دولت است که موجب افزایش پایه پولی و به تبع آن، نقدینگی در اقتصاد می‌شود. در این دیدگاه، سیاست‌گذاران سیاست‌هایی برای جلوگیری از رشد نقدینگی، کاهش کسری بودجه و اتخاذ سیاست پولی انقباضی شامل حذف یارانه‌های انرژی، یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش نرخ بهره ارائه می‌دهند. این در حالی است که علت شکل‌گیری تورم‌های بالا از سمت تقاضا نیست و از جانب نرخ ارز، قدرت قیمت‌گذاری (مارک‌آپ) دلخواه و مداخلات اختلال‌آمیز بخش نامولد است. از این رو اقداماتی در زمینه مدیریت بازار ارز، محدود کردن بخش نامولد، رفع تنگناها و بهبود کیفیت بخش تولید، تلاش در راستای ثبات قیمت‌های کلیدی، ایجاد کارایی بیشتر در اعطای اعتبارات سیستم بانکی و تصحیح ساختار قدرت قیمت‌گذاری دلخواه پیشنهاد می‌شود.

**واژگان کلیدی:** تورم، نرخ ارز، قدرت قیمت‌گذاری دلخواه، نقدینگی.

## مقدمه

در چند دهه اخیر، تورم بالا و پیوسته مشکل عمده در اقتصاد ایران بوده است؛ به طوری که مطابق شواهد تجربی در نمودار شماره ۱، در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ (دولت پنجم)، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ (دولت نهم) و ۱۳۹۷ تاکنون (دولت‌های دوازدهم و سیزدهم)، اقتصاد ایران تورم‌های سنگین و پی‌درپی را پیموده است. ادامه تورم بالا به خصوص از سال ۱۳۹۸ به بعد، به مشکل اساسی تبدیل شده است. در واقع، مسئله اصلی در کشور نه خود تورم، بلکه مزمن بودن آن

است که سال‌ها برنامه‌های توسعه را با چالش مواجه کرده است. یکی از پاسخ‌های بسیاری از اقتصاددانان در توجیه افزایش مداوم سطح قیمت‌ها، رشد بیش از حد حجم پول است<sup>۲</sup>. در این دیدگاه که بر «تورم پولی» یا «تورم فشار تقاضا»<sup>۳</sup> مبتنی است، شوک‌درمانی، فشار هزینه‌ها و بالا بردن قیمت‌های کلیدی<sup>۴</sup> تأثیر معنی‌داری بر تورم ندارد (شاکری، ۱۳۹۵). برای مثال، مبتنی بر همین دیدگاه، وزیر وقت اقتصاد در آخرین گزارش خود اظهار می‌کند

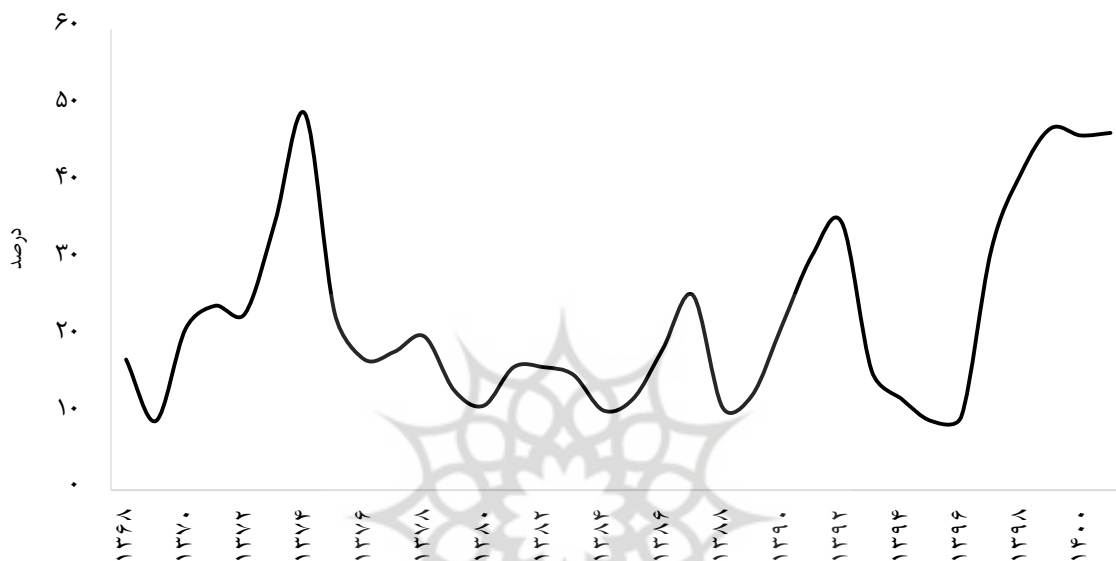
۱. دانش‌آموخته دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران  
۲. نظریه‌پردازان این نگرش اعتقاد دارند افزایش نقدینگی (افزایش پول و شبه پول) با منبسط کردن اجزای تقاضای کل که شامل مصرف و سرمایه‌گذاری است، فشار تقاضا ایجاد می‌کند و از آنجاکه طرف عرضه، پاسخ‌گوی این تقاضاها نیست، قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

3. Demand Pull Inflation  
4. Key Prices

خاموش شده است و اکنون دیگر خبری از تورم ناشی از رشد پایه پولی بر اثر اجرای سیاست حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نیست.

که موتورهای خلق تورم از طریق کاهش کسری بودجه دولت، کنترل خلق پول بانکها و اصلاح یارانه ارزی و حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی

نمودار ۱- روند نرخ تورم در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱



مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران.

ساختارگرایان درعین حال که نقش پول در ایجاد تورم را می‌پذیرند و برای فشار هزینه‌ها در تشکیل تورم نقش قائل هستند، معتقدند که برای شناخت درست تورم باید به عوامل ساختاری و نهادی هم توجه کرد و تعامل این عوامل با عوامل پولی و هزینه‌ای را نیز در نظر گرفت. از دید آن‌ها، تورم می‌تواند نتیجه تضادهای توزیعی باشد و نقش قدرت قیمت‌گذاری را نادیده نمی‌گیرند (شاکری، ۱۳۹۵).

با توجه به استدلال‌های مطرح‌شده در بالا درباره توجیه افزایش پیوسته قیمت‌ها، در این مطالعه قصد داریم به این موضوع بپردازیم که آیا واقعاً نقدینگی عامل مسلط رشد تورم‌های بالا و پیوسته در ایران است

در نگرشی دیگر که به آن «تورم طرف عرضه» یا «تورم فشار هزینه»<sup>۱</sup> گفته می‌شود، به دلیل وجود مشکلات ساختاری و نهادی موجبات افزایش قیمت‌ها فراهم می‌شود. طرف‌داران این نظریه معتقدند نهاده‌ها و نیروهایی که زمینه‌های تولید کالایی را به وجود می‌آورند شامل دستمزد، تجهیزات، مواد اولیه، نرخ ارز، انرژی، حمل‌ونقل و... هستند که بالا رفتن قیمت هرکدام، افزایش قیمت‌های نهایی را رقم می‌زند. چنین شرایطی در اقتصاد را می‌توان «رکود تورمی»<sup>۲</sup> نیز در نظر گرفت؛ زیرا به‌رغم افزایش سطح قیمت‌ها، هیچ‌گونه رونقی به‌وجود نمی‌آید و تقاضا نیز کاهش می‌یابد. در دیدگاهی دیگر،

1. Cost Push Inflation  
2. Stagflation

دارد. این نظریه همواره در تفسیر علت رشد پایه پولی و نقدینگی، بر کسری بودجه دولت و سلطه مالی (بودجه‌ای) دولت بر بانک مرکزی تأکید می‌کند؛ به طوری که جلوگیری از کسری بودجه به معنی خلاص شدن از شر تورم و دیگر مشکلات اقتصاد کلان است. در مقابل، در نظریه پولی اقتصاد هتردوکس<sup>۱</sup>، عرضه پول درون‌زاست و در سیستم اقتصادی با نیاز کل اقتصاد به اعتبار تعیین می‌شود. در واقع، بنا به دو دلیل، عرضه پول می‌تواند درون‌زا باشد. یکی اینکه، بانک‌ها ابتدا وام می‌دهند و بعد برای ذخایر آن چاره‌جویی می‌کنند و دیگر اینکه، بانک مرکزی غالباً سیاست همسازی و همراهی پولی را دنبال می‌کند (اساساً بانک مرکزی به صورت قرض‌دهنده به‌عنوان آخرین چاره نیاز ذخایر آن‌ها را تأمین می‌کند) (شاکری و باقرپور، ۱۴۰۰) و برعکس نظریه برون‌زایی، این «مصارف» پول است که «منابع» آن را تعیین می‌کند.

#### ۱-۱- موضوع علیت میان قیمت‌ها و نقدینگی

مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین چالش در تفسیر علی بین پول و متغیرهای اقتصادی که به اتکای نظریه درون‌زایی پول حاصل می‌شود، مربوط به تفسیر رابطه نقدینگی و تورم است. مناسب است بحث را با نظریه پولی ارتدکس<sup>۲</sup> (اقتصاد جریان اصلی) آغاز کنیم. این نظریه معمولاً به‌عنوان نقطه شروع تحلیل رابطه بلندمدت بین نقدینگی و قیمت‌ها استفاده می‌شود. نکته اصلی در بیشتر تفکرات درباره نظریه پولی و سیاست‌های پولی، برخی از نسخه‌های نظریه مقداری است؛ البته نظریه مقداری بر چند آکسیوم مبتنی است و اگر در محیطی هریک از این آکسیوم‌ها برقرار

یا اینکه کسری بودجه، نقدینگی و تورم خود معلول علتی واحد است و تحقق شعار سال (مهار تورم و رشد تولید) در چه صورت امکان‌پذیر است؟ از این‌رو تلاش بر این است که با استفاده از واقعیات تجربی مرتبط با اقتصاد ایران، بتوان به این پرسش‌های مهم که نقش ضروری در سیاست‌گذاری پولی و بانکی اقتصاد کشور دارد، پاسخ داد. مطالب متن حاضر بدین ترتیب تنظیم شده است که ابتدا ماهیت درون‌زا و برون‌زا بودن نقدینگی و موضوع علیت میان قیمت‌ها و نقدینگی را در اقتصاد ایران با توجه به برخی واقعیات تجربی توضیح می‌دهیم. در ادامه، ملاحظات امنیت اقتصادی موضوع مورد مطالعه و درنهایت، راهکارهایی برای چگونگی مهار تورم در راستای تحقق شعار سال (مهار تورم و رشد تولید) ارائه می‌شود.

#### ۱- بررسی ماهیت نقدینگی در اقتصاد ایران

در اقتصاد امروز دیگر نمی‌توان به موضوع نقدینگی به‌عنوان موضوعی ساده و شایان کنترل با ابزارهای سیاست پولی نگاه کرد، بلکه نقدینگی موضوعی پیچیده است و در تحلیل آن باید ساختار نهادی، فنی و اجتماعی جامعه بررسی شود. موضع ما نه تنها به درک ما از مفهوم برون‌زایی/درون‌زایی بستگی دارد، بلکه به سیستم پولی و تجزیه و تحلیل پول برون‌زا یا درون‌زا نیز بستگی دارد. برای مثال، نظریه‌پردازان پولی متعارف دو فرض را مطرح می‌کنند که صرفاً توتولوژی را به نظریه تبدیل می‌کند. نخست، پایه پولی برون‌زا تعیین می‌شود و دوم، ارتباط معنی‌داری بین پایه پولی و عرضه پول وجود

1. Heterodox Economics  
 2. Orthodox Monetary Theory

در مقابل، در نظریه پولی اقتصاد هتردکس (که جایگزینی برای نظریه پولی نئوکلاسیک با رویکرد کاملاً متفاوت به ماهیت عرضه پول است)، عرضه پول درون‌زا است و در سیستم اقتصادی با نیاز کل اقتصاد به اعتبار تعیین می‌شود. در دهه‌های اخیر، اقتصاددانان پساکینزی این موضوع را مورد حمایت جدی قرار داده‌اند. این تفسیر، تورم را از نوع فشار هزینه<sup>۲</sup> می‌داند. در تورم فشار هزینه، برعکس تورم فشار تقاضا<sup>۳</sup>، نیروهای تورمی از ناحیه افزایش هزینه‌های تولید از قبیل افزایش دستمزدها توسط اتحادیه‌های کارگری، افزایش قیمت جهانی مواد اولیه مانند انرژی و فشار ناشی از افزایش نرخ ارز هستند. در این شرایط، بنگاه‌ها در معنای عام‌تر نظام اقتصادی، در پاسخ برای افزایش هزینه‌ها، قیمت‌ها را به‌نوعی افزایش می‌دهند. واکنش زنجیره‌ای این نوع افزایش هزینه‌ها منجر به تورم در کل اقتصاد می‌شود که با استفاده از گسترش اعتبار، منبع افزایش حجم پول می‌شود (شاگری و باقرپور، ۱۴۰۰).

نباشد، نظریه مقداری هم برقرار نیست و باید آن را متناسب با آکسیوم‌های جدید تعدیل کرد. آکسیوم‌های نظریه مقداری عبارت‌اند از ۱- سرعت گردش پول باثبات باشد، ۲- تابع تقاضای پول باثبات است، ۳- پول فعال<sup>۱</sup> است نه منفعل و ۴- اقتصاد در اشتغال کامل قرار دارد (شاگری، ۱۳۹۵). در تفسیر موضوع علیت میان قیمت‌ها و نقدینگی از نظر پول‌گرایان، ضریب فزاینده پول باثبات است. در نتیجه، بانک مرکزی با کنترل پایه پولی، عرضه پول را کنترل می‌کند. از آنجاکه هم پایه پولی و هم عرضه پول برون‌زاست، دلیل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، افزایش حجم پول است. بنابراین، تورم همیشه و در همه‌جا، پدیده پولی است. این رویکرد از پاسخ به چنین پرسش‌هایی در اقتصاد ایران عاجز است. ۱- چرا در برنامه‌های توسعه همواره رشد نقدینگی چند برابر مقدار مصوب آن بوده است؟ ۲- چرا در اقتصاد ایران تورم نامتناسب، مستمر و بالا ماندگار شده است؟ ۳- چرا با وجود روند روبه‌رشد نقدینگی، بانک‌ها نقش اندکی در تجهیز تولید و مصرف دارند و پرسش‌های متعدد دیگر.

جدول ۱- خلاصه‌ای از دیدگاه‌های نظری درباره رویکردهای مختلف به نظریه پولی

مکاتب جریان اصلی D → CB	مکاتب پساکینزی CB → D
(ارتدکس)	دیدگاه ساختارگرایان
LM2 → LCB LM2 → LGDP M2 → Inflation	(Palley, 1994) LCB ↔ LMM, LMB, LM2 LGDP ↔ LM2 Inflation ↔ M2

مأخذ: شاگری و باقرپور اسکویی (۱۴۰۱).

1. Active
2. Cost-Push Inflation
3. Demand-Pull Inflation

- چه رابطه‌ای بین نرخ ارز و تورم وجود دارد؟
  - آیا تنگناهای ساختاری موجب تورم می‌شود؟
- روایت تحلیلی متن پیش رو می‌کوشد پاسخ این پرسش‌ها را بیاید.

### ۱-۲-۱- رشد نقدینگی و واگرایی متغیرهای پولی در اقتصاد ایران

در چند دهه اخیر، رشد نقدینگی بالا و پیوسته مشکل عمده در اقتصاد ایران بوده است. این در حالی است که در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله بعد از انقلاب بر رشد محدود نقدینگی تأکید شده است. همان‌طور که در نمودار شماره ۲ ملاحظه می‌شود، رشد نقدینگی چند برابر مقدار مصوب آن بوده که یکی از دلایل منفعل بودن بخشی از پول در اقتصاد ایران همین است؛ زیرا وقتی بخشی از پول منفعل شود، هدف‌گذاری تورم و کارایی سیاست پولی با مشکل مواجه می‌شود (شاگری، ۱۳۹۵).

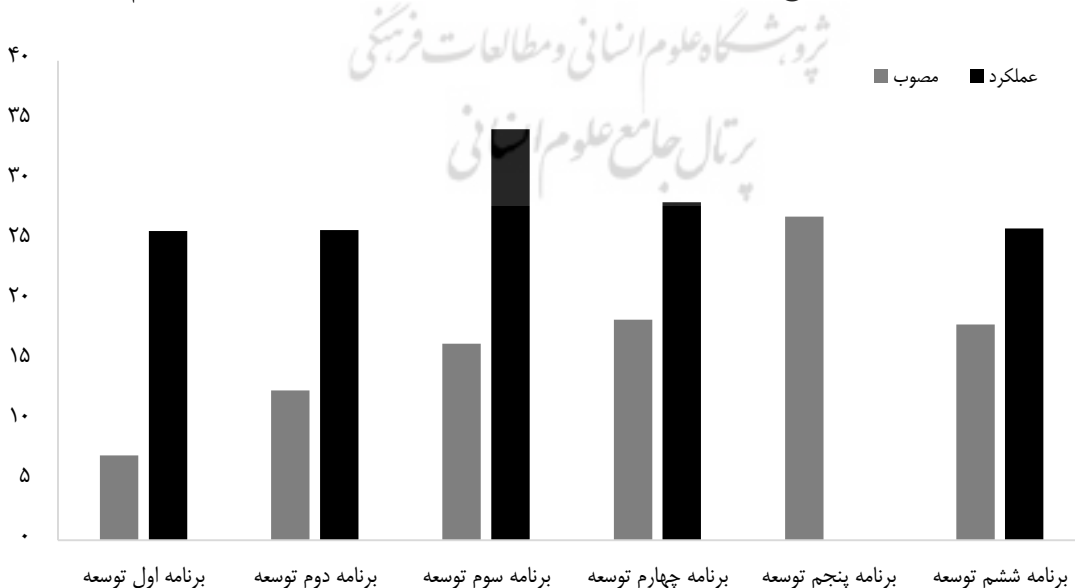
متغیرهای موجود در این جدول به این شرح هستند. D: سپرده‌های بانکی، CB: وام‌های بانکی، M2: حجم پول (در تعریف گسترده آن)، MM: ضریب فزاینده نقدینگی، MB: پایه پولی و GDP: تولید ناخالص داخلی اسمی.

### ۱-۲-۲- برخی واقعیات مرتبط با اقتصاد ایران

با توجه به اینکه یکی از مجادلات میان طرفداران دیدگاه‌های اقتصاددانان برون‌زایی و درون‌زایی نقدینگی، تعیین جهت علیت میان تورم و نقدینگی است و از سویی درون‌زایی پول به ما می‌آموزد که در شرایط تورم از نوع فشار هزینه، این نیروهای تورمی هستند که نیاز به افزایش پول را به صورت درون‌زا به رشد بالاتر نقدینگی منتهی می‌کنند، از این رو پرسش‌های زیر مطرح می‌شود.

- آیا تورم در اقتصاد ایران تنها پولی است و کسری بودجه دولت باعث تورم می‌شود؟

نمودار ۲- مقایسه عملکرد نرخ رشد نقدینگی با مقادیر مصوب نقدینگی در برنامه‌های اول تا ششم توسعه



مأخذ: وبگاه سازمان برنامه و بودجه؛ وبگاه بانک مرکزی.

۱۳۹۰، شواهد موجود حاکی است که افزون‌بر عوامل مؤثر بر پایه پولی (خالص بدهی دولت به بانک مرکزی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و خالص درآمدهای خارجی)، بانک‌ها نیز با اعطای تسهیلات و وام‌دهی از طریق افزایش ضریب فزاینده تأثیر بسزایی در رشد نقدینگی کشور داشته‌اند؛ به طوری که در حال حاضر ضریب فزاینده در اقتصاد ایران با روند افزایشی که بیان‌کننده افزایش در میزان خلق اعتبار بانک‌هاست، بر اساس آخرین آمار منتشرشده بانک مرکزی به رقم بالای نزدیک ۸ رسیده است.

در واقع، تفاوت مقادیر مصوب و عملکرد نقدینگی گویای این است که شناخت درستی از پیچیدگی‌های سازوکارهای پولی اقتصاد کلان وجود ندارد. در برنامه سوم با ورود بانک‌های خصوصی، رشد نقدینگی شتابان‌تر و نحوه کارکردش بسیار مخرب‌تر و بدتر شد. تا پیش از خصوصی‌سازی بانک‌ها، شواهد تجربی نشان می‌داد رشد پایه پولی و نقدینگی هم‌گرا بوده و پایه پولی بیشترین تأثیر را بر رشد نقدینگی داشته است، اما از دهه ۱۳۸۰ به بعد (بعد از خصوصی‌سازی بانک‌ها) و به‌خصوص دهه

نمودار ۳- بررسی روند ضریب فزاینده در دهه ۱۳۹۰

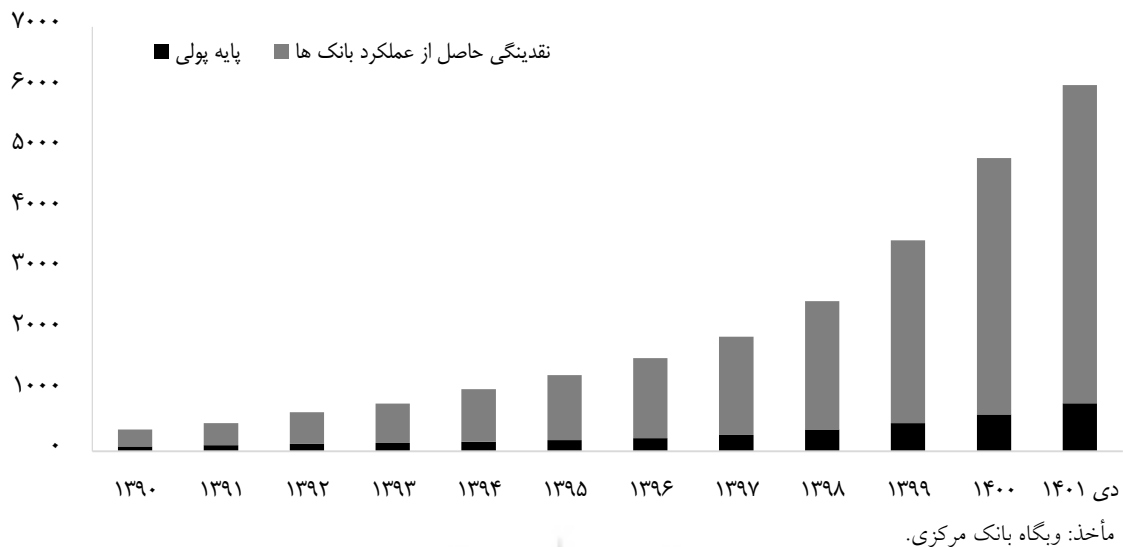


مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

نقدینگی تنها محصول رشد پایه پولی نیست و لزوماً با کنترل پایه پولی نمی‌توان رشد نقدینگی را کنترل کرد.

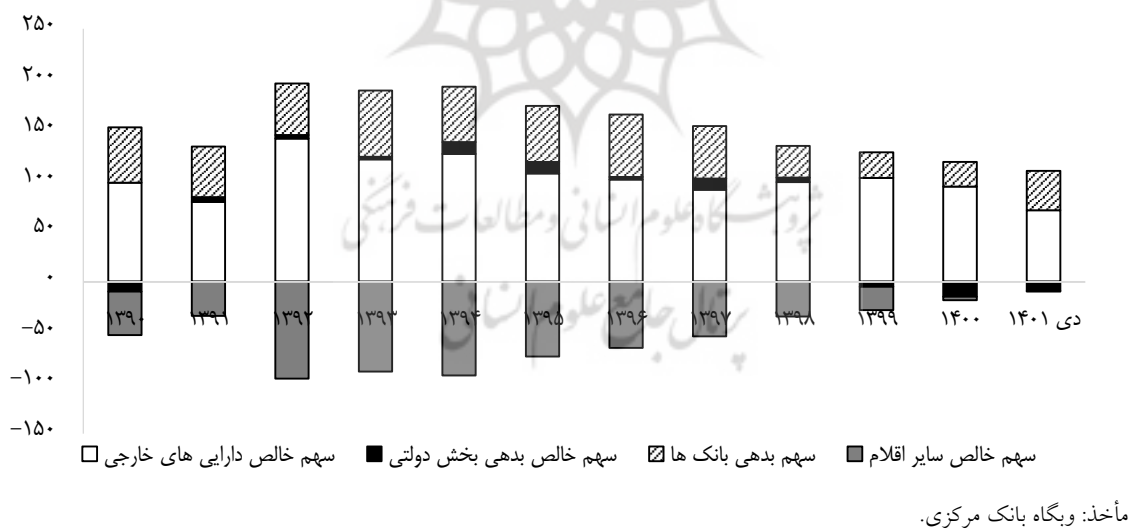
بنابراین، هنگامی که ضریب فزاینده بانک‌ها بالاست، بدین معناست که بخش بیشتر نقدینگی را بانک‌ها با اعطای وام و اعتبار خلق می‌کنند.

#### نمودار ۴- بررسی روند رشد پایه پولی و رشد نقدینگی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱



در بررسی ترکیب پایه پولی نیز در نمودار شماره ۵ ملاحظه می‌شود نیروی اصلی در رشد پایه پولی افزون‌بر خالص دارایی‌های خارجی، مربوط به اضافه‌برداشت بانک‌هاست.

#### نمودار ۵- بررسی روند سهم اجزای پایه پولی



یافته‌های تجربی در بررسی ماهیت نقدینگی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد نقدینگی تنها محصول رشد پایه پولی نیست و لزوماً با کنترل پایه پولی نمی‌توان رشد نقدینگی را کنترل کرد. نتایج تجربی مطالعه شاکری و باقرپور

از این رو چه در حالت خلق نقدینگی از طریق پایه پولی و چه ضریب فزاینده، ملاحظه می‌شود که نظام بانکی نقش عمده‌ای در خلق و تخصیص منابع پولی در اقتصاد دارد.



باشد. برای مثال، در دهه اخیر همواره دولت از روش‌هایی مانند افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، انتشار اوراق بدهی مدت‌دار و... برای پوشاندن کسری بودجه استفاده کرده که به‌طور غیرمستقیم بانک مرکزی را منفعل کرده و در جایگاه عرضه پایه پولی قرار داده است. در واقع، این نحوه تأمین مالی دولت به افزایش هزینه‌های آن در آینده منجر و با توجه به بی‌ثباتی‌ای که ایجاد می‌شود، نخستین کسی که آسیب می‌بیند، خود دولت است.

#### ۱-۲-۲- تحلیل رابطه نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران

شواهد موجود حاکی است که در دهه ۱۳۹۰، نه تنها رشد نقدینگی از برخی سال‌ها در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ بالاتر نبوده است، بلکه سال‌هایی را در سه دهه گذشته شاهد هستیم که بالاترین رشد نقدینگی و کمترین تورم‌ها تجربه شده است. پس نتیجه می‌شود رشد نقدینگی تمام داستان تورم در کشور نیست و در دوره‌های مختلف رفتار متفاوتی از تورم در قبال رشد نقدینگی تجربه شده است (جدول شماره ۲).

اسکویی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی ماهیت درون‌زایی و برون‌زایی نقدینگی در اقتصاد ایران» نشان می‌دهد بانک مرکزی قدرت کمتری نسبت به دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ (پیش از خصوصی‌سازی بانک‌ها که عرضه پول به‌صورت برون‌زا توسط بانک مرکزی تعیین می‌شد)، در تعیین و کنترل رشد نقدینگی دارد و نظریه پول درون‌زا در اقتصاد ایران از دهه ۱۳۸۰ به بعد، به‌خصوص در دهه ۱۳۹۰ تأیید می‌شود. این در حالی است که تصمیم‌گیران اقتصادی در سال‌های اخیر کمترین توجه را به خلق نقدینگی توسط بانک‌ها داشته‌اند و کسری بودجه دولت را عامل رشد نقدینگی اقتصاد ایران می‌دانند.

یکی دیگر از نکاتی که درباره روند افزایشی نقدینگی گفتنی است اینکه، جریان متعارف همواره بر استقلال بانک مرکزی از دولت تأکید دارد. این در حالی است که در همه اقتصادها به‌ویژه اقتصادهای پیشرفته، تجارب دولت‌ها نشان داده است تأمین کسری بودجه دولت از راه‌های دیگر، چه بسا آثاری مشابه یا حتی مخرب‌تر از بانک مرکزی داشته

جدول ۲- مقایسه رشد نقدینگی با متغیرهای کلان

دهه	رشد نقدینگی	بالاترین نرخ تورم	رشد اقتصادی
۱۳۷۰	۲۷.۳	۵۰	۶.۱ تا ۱ درصد
۱۳۸۰	۲۸.۱۷	۲۵.۴	۶.۸ تا ۸ درصد
۱۳۹۰	۲۸.۱۶	۳۶.۴	۳ تا منفی ۷ درصد
۱۳۸۵ (درآمد نفت دولت احمدی‌نژاد)	۳۹	۱۱.۹	۶.۲

مآخذ: وبگاه مرکز آمار ایران؛ وبگاه بانک مرکزی

#### ۱-۲-۳- تحلیل رابطه ارز و تورم در اقتصاد ایران

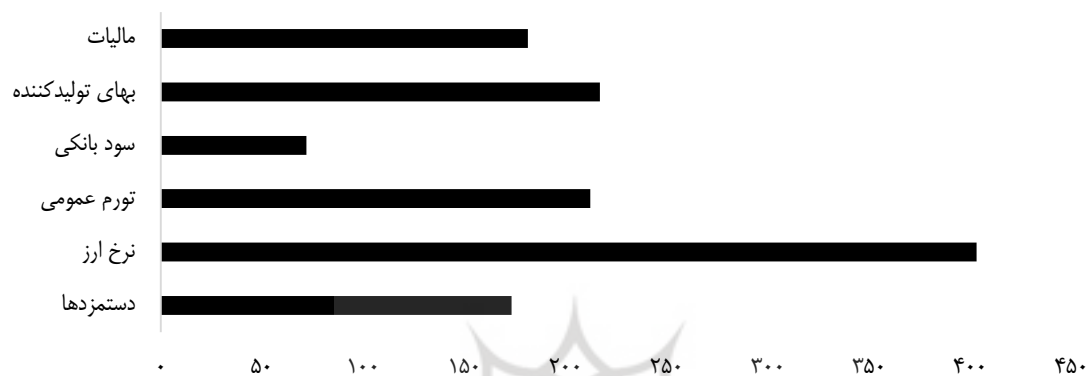
در اقتصاد ایران تغییرات نرخ ارز از مجاری متعدد سطح قیمت‌ها و تورم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخست، واردات کالاهایی مصرفی، دوم، فشار هزینه‌ها و سوم، به این دلیل که نرخ ارز متغیری

کلیدی است، با تغییرات شدید آن، عوامل اقتصادی دارای قدرت قیمت‌گذاری دلخواه، قیمت‌های نامرتب با ارز را به شدت بالا می‌برند و قیمت‌های مرتبط با ارز را بیش از تناسب افزایش نرخ ارز افزایش می‌دهند. در مجموع، جهش نرخ ارز نیرویی



قوی در پایه‌گذاری تورم فوری از جنس تورم ناشی از فشار هزینه‌ها، موضوعی عادی رکودی یا فشار هزینه را برانگیخته می‌کند (شاگری، ۱۳۹۵).  
تورم ناشی از فشار هزینه‌ها، موضوعی عادی است. در سال‌های اخیر این نوع تورم در اقتصاد ایران به شدت رایج شده است.

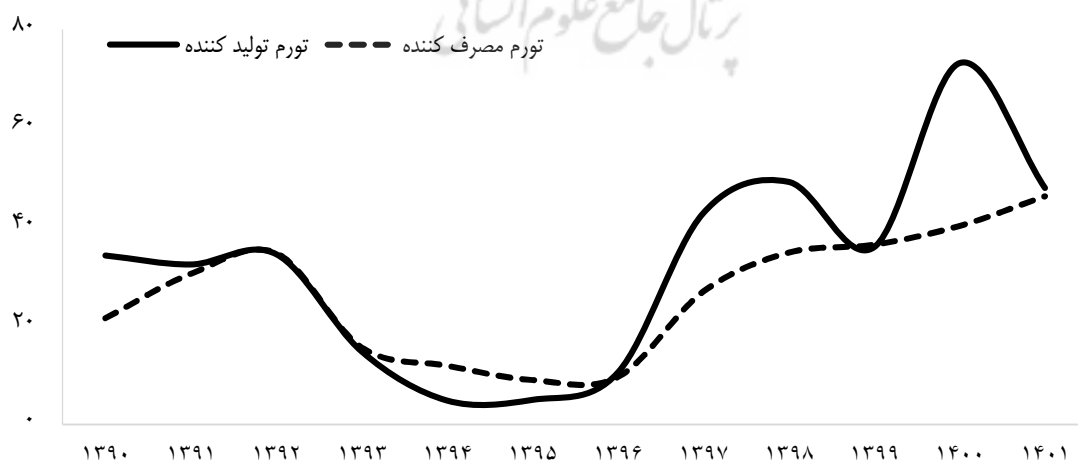
نمودار ۶- افزایش هزینه‌های تولید و بهای تولیدکننده (سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱)



مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران؛ وبگاه بانک مرکزی.

همان‌طور که از نمودار شماره ۷ ملاحظه می‌شود، در ۴ سال، بهای تولیدکننده بیش از ۲۰۰ درصد افزایش یافته است. افزایش هزینه‌های عمومی و هزینه مواد اولیه وارداتی به‌خاطر افزایش نرخ ارز بیش از افزایش قیمت تولیدکننده بوده است. بنابراین، نمی‌توان افزایش شدید هزینه‌های تولید را در قیمت تمام‌شده و تورم نادیده گرفت. افزایش قیمت مرغ و افزایش قیمت لبنیات و روغن در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ بعد از حذف ارز ترجیحی، نمونه‌ای دیگر از افزایش هزینه‌های تولید است.

نمودار ۷- بررسی روند تورم تولیدکننده و مصرف‌کننده



مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران.

این در حالی است که به دلیل درک نادرست از ماهیت تورم در اقتصاد ایران در این سالها، دولت سعی در کاهش پایه پولی و افزایش نرخ بهره در جامعه کرد. در این بین، می‌توان به تجارب سیاست‌های انقباضی اتخاذ شده در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ اشاره کرد.

- در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، در دولت یازدهم با کاهش پایه پولی، نرخ بهره افزایش یافت و موجب خلق پول نظام بانکی از ناحیه پرداخت بهره به سپرده‌های بانکی شد و ضریب فزاینده نقدینگی از رقم ۵/۳۹ به ۷/۱۵ رسید که منجر به انفجار تورمی با افزایش نرخ ارز از اواخر سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شد.

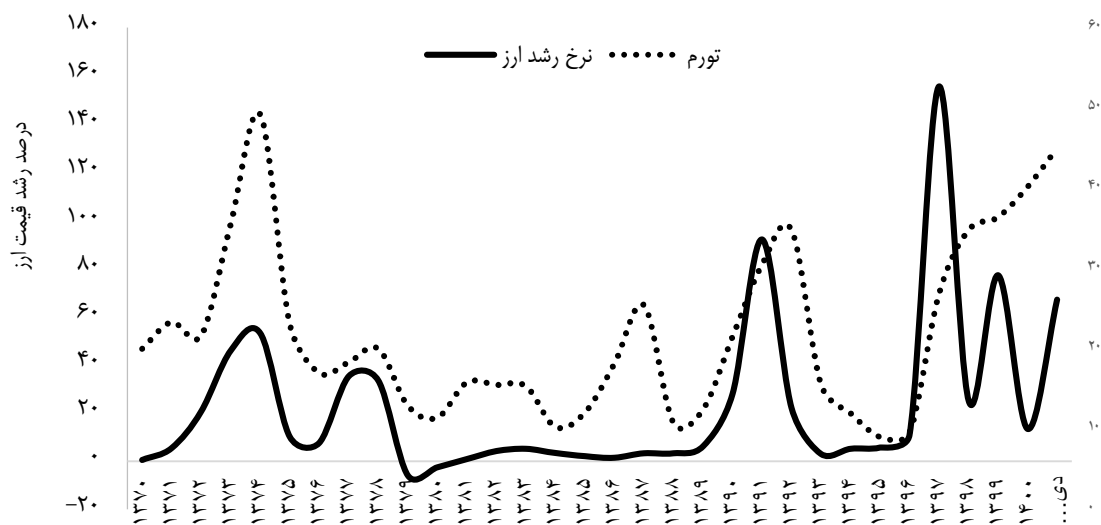
بنابراین، سیاست‌های ضد تورمی که مبتنی بر دیدگاه‌های ساده و کلیشه‌ای باشد، تنها به پیچیده شدن و تداوم تورم می‌انجامد (شاکری، ۱۳۹۵).

در حال حاضر، تأثیر افزایش قیمت دلار بر کالاهای مصرفی و خدمات بیش از هر موضوعی نگرانی شهروندان را در پی دارد؛ زیرا تجربه سال‌های پیش و سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد کوچک‌ترین جهش در نرخ ارز مستقیماً در بازار کالاهای اساسی تخلیه می‌شود. نرخ ارز متغیری است که نوسانات آن بر دیگر متغیرهای کلان اقتصادی و زندگی افراد جامعه و به‌طور کلی، بر مسکن، خودرو، هزینه‌های سفر و حتی لباس و مواد غذایی و... اثرگذار است؛ به‌ویژه از اردیبهشت سال ۱۴۰۱ که دولت به بهانه اصلاح یارانه‌های کالاهای اساسی، ارز ۴۲۰۰ تومانی این کالاها را حذف کرد.

در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ و از سال ۱۳۹۶ به بعد، تورم تولیدکننده از تورم مصرف‌کننده پیشی گرفته که عمدتاً به دلیل جهش‌های ارزی، هزینه‌های تولید افزایش یافته است و صنایع اولیه داخلی به تبعیت از بالا رفتن قیمت صادراتی، قیمت‌ها را بیش از حد تناسب نرخ ارز افزایش می‌دهند و تورم شدت می‌گیرد (شاکری و باقرپور اسکویی، ۱۴۰۰).

در مطالعه‌ای که شاکری و باقرپور اسکویی (۱۴۰۰) در بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران صورت داده‌اند، شواهد تجربی موجود نشان می‌دهد که برخلاف ادعای تحقیقات صندوق بین‌المللی پول در گزارش منتشر شده اخیر و مسئولان اقتصادی کشور، زمانی که نرخ تورم جهش می‌یابد و به اعداد بالاتر از متوسط تورم (۳۰ تا ۴۰ درصد) می‌رسد مانند زمانی که میانگین نرخ تورم اعداد پایین‌تری را نشان می‌دهد، دیگر متغیرهای پولی توضیح‌دهنده نیستند؛ زیرا این تورم‌ها، تولید را هم مختل می‌کند و علت شکل‌گیری آن، تشدید تقاضا نیست که بتوان با کاهش آن از بروز تورم جلوگیری کرد. از این‌رو در این سال‌ها تورم از سمت عرضه بوده (شوکه‌های هزینه‌ای ناشی از تحریم‌ها و جهش نرخ ارز) و پولی نبوده است. تورمی که از ناحیه شوکه‌های سمت عرضه ایجاد می‌شود باید با تورم‌های ناشی از تقاضا (تورم پولی)، سیاست‌گذاری متفاوتی داشته باشد؛ زیرا در تورم ناشی از شوکه‌های هزینه‌ای در حوزه پولی باید بیشتر همسازی و همراهی با هزینه‌های افزایش‌یافته صورت گیرد. در غیر این صورت کاهش تورم به قیمت تشدید وضعیت رکود تمام می‌شود.

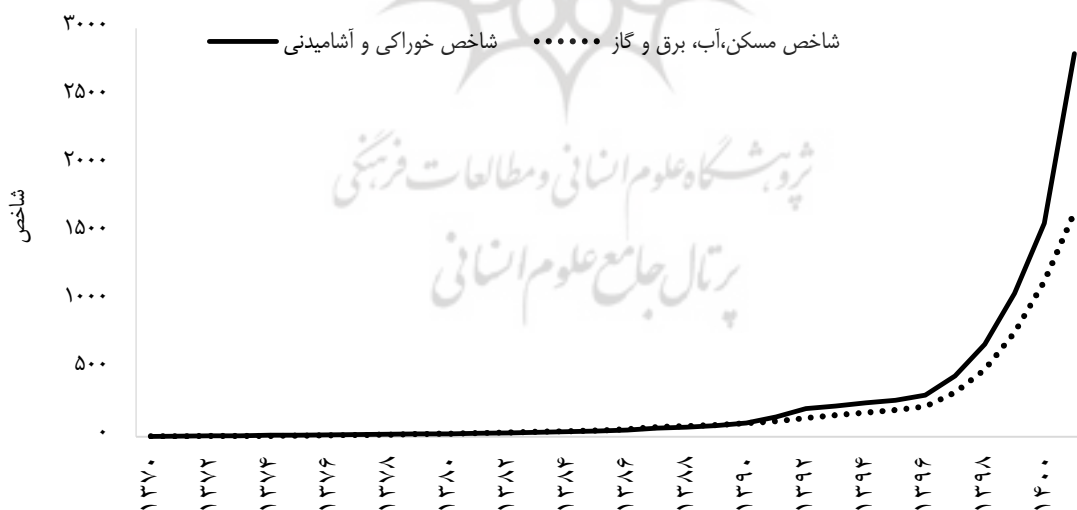
### نمودار ۸- همراهی تورم‌های شدید کشور با جهش نرخ ارز



مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران؛ وبگاه بانک مرکزی.

بررسی وضعیت شاخص قیمت خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و قیمت مستغلات مدعاست. در نمودار شماره ۹، شاهدهی بر این

### نمودار ۹- شاخص قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، مسکن و...



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی.

فشار هزینه‌ها در شرایط تورم بالا و پیوسته، قیمت کالاها کاهش نمی‌یابد تا بازار را تسویه کند.

نکته مهم اینکه، به‌خاطر نبود رقابت، وجود قدرت قیمت‌گذاری دلخواه<sup>۱</sup> در مواقع کمبود تقاضا و نیز

1. Arbitrary Markup

تصحیح قیمت‌های نسبی در کشورهای درگیر اصلاحات قیمتی تأکید شده است.

اعمال قدرت قیمت‌گذاری دلخواه در اقتصاد ایران و فشار هزینه‌های تولید دو عامل بسیار مهم در ایجاد تورم و تقویت پویایی‌های آن در کنار بی‌ثباتی نقدینگی است. یکی از دلایل به هدف نرسیدن برنامه‌های تعدیل و اصلاحات قیمتی هم همین نکته است؛ زیرا صاحبان قدرت یادشده، با بالا بردن قیمت‌ها در فضای جدید، به تشدید بی‌ثباتی و خنثی شدن اقدامات اصلاحی و حتی بدتر شدن قیمت‌های نسبی کمک می‌کنند تا همراهی و همگامی با شرایط و مقتضیات سیاستی اصلاحی جدید.

## ۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

تورم بالا و پیوسته، جهش‌های نرخ ارز، رشد نقدینگی بی‌کیفیت و مخرب، ثبات پایین امنیت اقتصادی، رشد اندک و پرنوسان اقتصادی، وجود شکاف فناوری با دنیای پیشرفته، رقابت‌پذیری اندک اقتصاد، بیکاری و فضای نامناسب کسب‌وکار از جمله مسائل اساسی اقتصاد ایران هستند که اگر هرچه زودتر چاره‌جویی نشود، انسجام اجتماعی و سیاسی کشور را زایل و رشد درازمدت اقتصادی را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد.

در دولت سیزدهم، تیم اقتصادی دولت جدید با تأکید بر سیاست مبارزه با تورم، بدون توجه به نقش سیاست‌های شوک‌درمانی و بی‌ثبات‌کننده از سال

## ۱-۲-۴- علل ساختاری تورم و وجود قدرت قیمت‌گذاری دلخواه<sup>۱</sup>

در اقتصاد ایران، قدرت قیمت‌گذاری عوامل اقتصادی بالاست؛ زیرا بازار کالاها و خدمات، ضعیف و غیررقابتی است و چون قیمت‌ها با سازوکار رقابت بازاری تعیین نمی‌شود، هرکس به دلخواه برای کالاها، خدمات و نهاده‌های خود قیمت وضع می‌کند. در اجرای برنامه‌های تعدیل و اعمال شوک درمانی‌ها به این واقعیت ساختاری مهم توجه نداشته‌ایم و نداریم و وقتی می‌خواهیم شوک‌درمانی اجرا کنیم، می‌گوییم برای جلوگیری از تورم، نقدینگی را کنترل می‌کنیم. در اجرای اصلاحات قیمتی، بعضی از قیمت‌ها باید تغییر کند و بعضی یا نباید تغییر کند یا تغییرش محدود و جزئی باشد.

تجربه عملکرد اقتصاد ایران در سه دهه گذشته گویای این است که وقتی اصلاح یک قیمت کلیدی آغاز می‌شود، صاحبان کالاها و خدمات مرتبط و نامرتب، فضای جدید را به جولانگاه قدرت قیمت‌گذاری خود تبدیل می‌کنند درحالی‌که مدیریت قیمت در دوره گذار اصلاحات قیمتی باید به‌گونه‌ای باشد که نه تنها زمینه و مجال را برای افزایش قیمت به آن‌ها ندهد، بلکه آن‌ها را دست‌کم در کوتاه‌مدت کاملاً محدود کند؛ زیرا هدف اصلاحات قیمتی، تصحیح قیمت‌های نسبی<sup>۲</sup> و علامت‌دهی<sup>۳</sup> بهتر قیمت‌های نسبی به تخصیص منابع است. حتی در برنامه‌های نسل دوم صندوق بین‌المللی پول هم بر اجرای کنترل همه‌گیر<sup>۴</sup> برای تحقق اهداف مربوط به

۱. در این بخش، از کتاب مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران نوشته عباس شاکری استفاده شده است.

2. Relative Prices

3. Signing

4. Worldwide Control

کردن توزیع تابعی درآمد (و حتی توزیع مقداری درآمد)، سهم عوامل مولد را در نظام تولید کالایی محدود و کم می‌کند و سهم عوامل نامولد را بالا می‌برد. این موجب انتقال و چرخش منابع از فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های نامولد می‌شود.

**- محدود کردن افق‌های تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی:** وقتی تورم نامتناسب باشد، چشم‌اندازهای اقتصادی را محدود می‌کند و افق‌های تصمیم‌گیری را کوتاه می‌سازد؛ البته نوسان تورم هم به این وضعیت دامن می‌زند، اما ماهیت نامتناسب تورم اثر بسیار شدیدتری دارد که موجب می‌شود که موضوعات سرمایه‌گذاری از امور بلندمدت پویا، مبنایی و دانش‌محور به امور کوتاه‌مدت و بی‌کیفیت تغییر کند. مبنای این معضل هم گسترش ناطمینانی و ریسک در پی تورم‌های نوسانی و نامتناسب است. افزایش ریسک هم موجب افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و بنابراین، کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.

**- فشار بر کسری بودجه دولت:** تورم از مجرای اثر الیورا تانزی<sup>۲</sup> موجب افزایش کسری بودجه دولت می‌شود. الیورا تانزی معتقد است هزینه‌های دولت همراه با تورم به سرعت افزایش می‌یابد، اما درآمدهای دولت با وقفه‌های شایان ملاحظه نسبت به تورم تعدیل می‌شود. بنابراین، موجب شکاف میان هزینه‌ها

۱۳۹۶ به بعد، عامل و علت اصلی تورم موجود را نقدینگی معرفی کردند و در تدوین بودجه سال ۱۴۰۱، همه تأکیدشان بر مهار نقدینگی بود تا بتوان از این طریق تورم را مهار کرد، اما از آنجاکه در سال‌های اخیر مهم‌ترین نیروی تأثیرگذار بر نرخ تورم، تغییرات نرخ ارز بوده است، نه تنها با حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی کنترل تورم محقق نشده است، بلکه به دلیل ماهیت درون‌زایی نقدینگی، رشد نقدینگی مهار که نشد هیچ، افزایش هم یافت؛ به طوری که در خرداد سال ۱۴۰۱، رشد ۱۲/۵ درصدی قیمت ناشی از حذف ارز ترجیحی در کنار ایجاد انتظارات تورمی ناشی از جهش نرخ ارز، به تنهایی رکورد تورم ماهانه اقتصاد ایران را رقم زد. این در حالی است که پیش از اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی توسط دولت، موافقان مدعی بودند که کار کمی و مدلی آن‌ها نشان می‌دهد تورم ناشی از این سیاست ۶ تا ۷ درصد بیشتر نیست<sup>۱</sup>. نکته شایان توجه اینکه، تمام راهکارهایی که در این طرح ارائه شده بود، مبتنی بر نظریه پولی تورم و به نرخ ارز به‌عنوان علت اصلی همه این بی‌ثباتی‌ها اشاره‌ای نشده بود (شاکری، ۱۴۰۱). در ادامه، به مواردی از هزینه‌های تورم اشاره می‌کنیم.

**- بدتر کردن تخصیص منابع به زیان تولید و به نفع گسترش بخش نامولد:** تورم نامتناسب و بالا با بدتر

۱. برای مثال، قیمت مرغ را در نظر بگیرید. شواهد موجود نشان می‌دهد اختصاص دلار ۴۲۰۰ تومانی در کنترل قیمت مرغ مؤثر بوده و حذف آن به سرعت بر افزایش قیمت آن اثر گذاشته است. طبق اعلام دولت، بعد از حذف ارز ترجیحی، قیمت مرغ ۱/۶۴ درصد تورم خواهد داشت، اما شواهد موجود نشان داد که افزایش قیمت کالاهای اساسی به‌درستی ارزیابی نشده بود؛ زیرا اگر انحراف سیاست حذف ارز ترجیحی به نهاده‌های دامی بالا بود، انتظار می‌رفت حذف آن نیز اثرگذاری کمتری بر افزایش قیمت‌ها داشته باشد.

تقاضا رخ می‌دهد و برای جلوگیری از رشد تورم نیز باید تقاضا را کاهش داد درحالی‌که چهارچوب‌های نظری مقدماتی گویای این است که این روش، تشدیدکننده رکود و افزایش‌دهنده بیکاری است و راهکار افزایش نرخ سود بانکی و شوک‌درمانی برای تأمین کسری بودجه دولت قطعاً منجر به آسیب جدی به تولید می‌شود.

این مشاهده با وضعیت شاخص‌های اقتصاد کلان چند دلالت مهم دارد.

- زمانی می‌توان تورم را تنها در افزایش نقدینگی تحلیل کرد که پول کاملاً فعال و سرعت گردش پول ثابت و تابع تقاضای پول باثبات باشد، اما در اقتصاد ایران، بخشی از پول منفعل و سرعت گردش پول سیال است و تابع تقاضای پول نیز باثبات نیست.
- اعمال قدرت قیمت‌گذاری دلخواه در اقتصاد ایران و فشار هزینه‌های تولید به‌خصوص در سال‌های اخیر دو عامل بسیار مهم در ایجاد تورم و تقویت پویایی‌های آن است. یکی از دلایل به هدف نرسیدن برنامه‌های تعدیل و اصلاحات قیمتی هم همین نکته است؛ زیرا صاحبان قدرت یادشده با بالا بردن قیمت‌ها در فضای جدید به تشدید بی‌ثباتی و ختنی شدن اقدامات اصلاحی و حتی بدتر شدن قیمت‌های نسبی کمک می‌کنند تا همراهی و همگامی با شرایط و مقتضیات سیاستی اصلاحی جدید.
- به دلیل اینکه تورم حاصل اختلالات سمت عرضه و نه انبساط اجزای تقاضای کل است،

و درآمدهای تحقق‌یافته می‌شود؛ ضمن اینکه تورم زمینه‌های فساد در قلمرو دخل و خرج عمومی را هم افزایش می‌دهد.

- **منفعل کردن بخشی از نقدینگی:** وقتی تورم از کمیت بالا و کیفیت بد برخوردار باشد، جریان علیت معکوس را برقرار می‌سازد و حاکمیت کامل جریان مستقیم را کاهش می‌دهد. این موضوع هدف‌گذاری تورم و سیاست پولی هدفمند را دشوار می‌سازد.

- **تضعیف پول ملی:** به‌طورکلی، تورم بر اساس نظریه‌های برابری قدرت خرید و نظریه پولی تراز پرداخت‌ها موجب تضعیف پول ملی و افزایش نرخ ارز می‌شود. تورم‌های مستمر نامتناسب به‌طور ویژه در میان‌مدت و بلندمدت، رقابت‌پذیری‌های فنی و نهادی را تضعیف و بنابراین، موجبات کاهش مستمر و واگرای ارزش پول ملی را فراهم می‌کند؛ ضمن اینکه تضعیف پول ملی هم خود نیروی محرک انتظارات تورم و شکل‌گیری استعدادهای قوی تورمی است. چند برابر شدن قیمت‌ها در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ تاکنون به دنبال جهش‌های غیرعادی نرخ ارز به‌خوبی گواه این مدعا است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

از ابتدای سال ۱۴۰۲ تاکنون، کارشناسان اقتصادی بسیاری درباره الزامات تحقق شعار سال (مهار تورم و رشد تولید) اظهار نظر کردند. با چهارچوب تحلیلی اقتصاد نئوکلاسیک و متعارف، برای مهار تورم به‌ناچار باید رکود اقتصادی ایجاد کرد؛ زیرا تصور اقتصاد مرسوم این است که تورم به علت تشدید

است. در این شرایط، مهم‌ترین راهکارهای موجود به قرار زیر است.

• **عدم تبعیت بانک مرکزی از نرخ بازار آزاد**

(غیررسمی): در اقتصاد وابسته به نفت ایران، ارز بودجه دولت را درگیر و تولید را به شدت وابسته کرده و تحریک‌کننده انتظارات تورمی است و زمانی که دچار تغییرات شدید می‌شود، منظومه قیمت‌ها را در اقتصاد به هم می‌ریزد و موجب تغییر شدید و نامتناسب آن‌ها می‌شود. تغییراتش هم انعکاس وفور یا کمبود درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت است نه اینکه توسط عوامل بی‌نام و ذره‌ای و تعامل آن‌ها تعیین شود. چنین نرخی تولید را از ناحیه محدود و گران کردن واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای دچار مشکل و فعالیت نامولد را تقویت می‌کند، کالاهای اساسی و دارو را برای مردم گران می‌کند، انتظارات تورمی را شعله‌ور می‌کند و توزیع درآمد را به نفع فعالان نامولد و به زیان فعالیت‌های مولد تغییر می‌دهد. از این رو وقتی نرخ ارز در اقتصاد این‌گونه شکل می‌گیرد، همیشه باید از آن مواظبت و مراقبت و به‌طور کلی آن را مدیریت کرد (شاکری، ۱۳۹۵). سپردن نرخ ارز به دست بازار، تداوم بحران ارزی در کشور و حتی بدتر شدن وضعیت موجود را رقم می‌زند؛ یعنی وقتی نرخ ارز این‌گونه در اقتصاد شکل می‌گیرد و از بازار عمیق رقابتی به دست نمی‌آید، بانک

اصرار بانک مرکزی بر عدم همسازی با انبساط نقدینگی در مقابل معضل تورم هم کم‌اثر است.

• بدهی دولت و کسری بودجه به دلیل قیمت پایین ارز و انرژی نیست و ریشه در وضعیت نادرست مالیات‌ستانی و فقدان شفافیت بودجه (خصوصاً هزینه‌های دولت) دارد.

• بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز معلول استفاده‌های سوداگرانه پرسود از نقدینگی توسط عوامل نامولد و سوداگر است.

• در اقتصاد ایران که بیشتر قیمت‌ها پیوسته در حال افزایش است، تغییر چند قیمت کلیدی، دیگر قیمت‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

عامل اصلی تورم به لحاظ علی، نرخ ارز، قدرت قیمت‌گذاری دلخواه و مداخلات اختلال‌آمیز بخش نامولد است. از این رو مهم‌ترین راهکارهایی که به صورت بسته منسجم باید مدنظر مسئولان و سیاست‌گذاران قرار گیرد، به شرح زیر است.

- **مدیریت بازار ارز:** یکی از عوامل اصلی تورم‌های بالا به‌ویژه در دهه ۱۳۹۰ (سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ به بعد)، نرخ ارز است. جهش نرخ ارز روی سرمایه در گردش بنگاه‌ها اثر می‌گذارد، هزینه‌های تولید و خانوار بیشتر می‌شود و در مصارف بودجه دولت اثر می‌گذارد و اگر به آن اندازه که اقتصاد به پول نیاز دارد، عرضه نشود، آثار محسوس رکودی برای اقتصاد خواهد داشت. اکنون هم یکی از عوامل اصلی رشد نقدینگی و کسری بودجه دولت، نرخ ارز



خدمات مرتبط و نامرتبط دارای قدرت قیمت‌گذاری بیشتری هستند. در این شرایط، سازوکارهای بازاری که بتواند قیمت‌های علامت‌دهنده و راهنمای تخصیص‌دهنده ارائه دهد، وجود ندارد. یکی از دلایل به هدف نرسیدن برنامه‌های تعدیل و اصلاحات قیمتی همین نکته است؛ زیرا صاحبان قدرت یادشده با بالا بردن قیمت‌ها در فضای جدید به تشدید بی‌ثباتی و خنثی شدن اقدامات اصلاحی و حتی بدتر شدن قیمت‌های نسبی کمک می‌کنند. در چنین شرایطی، رهاسازی قیمت‌ها چاره‌ساز نیست و مدیریت و نظارت تا دستیابی به بازارهای عمیق ضروری است (شاگری، ۱۳۹۵).

- تلاش در راستای ثبات قیمت‌های کلیدی (که مهم‌ترین آن‌ها نرخ ارز است) و ایجاد کارایی بیشتر در اعطای اعتبارات سیستم بانکی: بسیاری از تحلیلگران و سیاست‌گذاران اقتصادی بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی و به‌خصوص ماندگاری تورم دورقمی را به دلیل حجم بالای نقدینگی می‌دانند و استدلال می‌کنند برای اینکه نقدینگی سراغ بازار ارز نرود، نرخ بهره بانک‌ها را افزایش یابد تا از طریق بانک‌ها پس‌اندازها به سمت سرمایه‌گذاری برود. این در حالی است که یافته‌های تجربی<sup>۱</sup> بر این واقعیت دلالت دارد که در شرایطی که نیروهای خلق درون‌زای نقدینگی فعال

مرکزی نباید نرخ ارزی را که در اقتصاد اعمال می‌کند متناظر با نرخ بازار آزاد (غیررسمی) بالا ببرد.

- الزام صادرکنندگان به ورود ارز به کشور و هدایت آن به سمت فعالیت‌های تولیدمحور: بانک مرکزی در راستای هدف بازگشت همه درآمدهای ارزی کشور و جلوگیری از خروج سرمایه، صادرکنندگان را ملزم کند که ارز خود را وارد کشور کنند تا این ارز وارد فعالیت‌های تولیدی شود.
- اقدامات لازم در راستای بهبود فضای انتظارات و اعتماد مردم از طریق شفافیت، راست‌گویی و عمل به قوانین و سیاست‌های اتخاذشده صورت پذیرد.
- از به‌کارگیری سیاست‌های تورم‌زا و شوک‌درمانی‌های بدون بستر اجتناب شود.
- تمام معاملات مربوط به خرید و فروش ارز توسط صرافی‌ها در داخل کشور ثبت رسمی شود.

- تصحیح ساختار وجود قدرت قیمت‌گذاری دلخواه: در فقدان ساختار رقابتی، بازار از عمق کافی برخوردار نیست و شرایط رقابت انحصاری یا انحصار چندگانه به وجود می‌آید. هرچه ساختار اقتصادی انحصاری‌تر باشد، صاحبان کالاها و

۱. نتایج تجربی مقاله «بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران» (شاگری و باقرپور اسکویی، ۱۴۰۰) در بررسی ارتباط میان برخی متغیرهای پولی و قیمتی کلیدی در اقتصاد (پویایی‌های رابطه میان تورم و نقدینگی و تورم و نرخ ارز) با استفاده از تحلیل هم‌دوسی موجکی نشان داد: ۱- نقدینگی در بلندمدت بر نرخ تورم تأثیرگذار نیست و علیت معکوس (علیت از سمت تورم به نقدینگی) وجود دارد. این نتیجه مؤید درون‌زایی نقدینگی در بلندمدت در اقتصاد ایران است. ۲- تکانه‌های رشد نرخ ارز (طرف عرضه اقتصاد) بر تورم مؤثر است؛ به‌گونه‌ای که نرخ ارز در هر دو فرکانس کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر معناداری بر تورم دارد. در نتیجه، یکی از دلایل مزمن شدن تورم در اقتصاد ایران تأنی گذاری متغیر نرخ ارز

## منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). بانک

اطلاعات سری‌های زمانی: <https://tsd.cbi.ir>

- شاکری، عباس (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- شاکری، عباس؛ و باقرپور اسکویی، الناز (۱۴۰۰).

بررسی ماهیت درون‌زایی و برون‌زایی نقدینگی در اقتصاد ایران. *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۸(۳۲)، ۱۶۰-۱۲۷. doi:

10.22034/ecoj.2021.46454.2898

- شاکری، عباس؛ و باقرپور اسکویی، الناز (۱۴۰۰).

بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران؛ رویکرد هم‌دوسی موجکی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران* (آماده انتشار). doi: 10.22054/ijer.2022.63350.1036

- شاکری، عباس؛ و باقرپور اسکویی، الناز (۱۴۰۱).

تحلیلی بر اثرات متفاوت اجزای نقدینگی بر تورم و تولید در اقتصاد ایران؛ رویکرد هم‌دوسی موجکی.

توسعه علوم انسانی، ۲(۵)، ۶۶-۴۹.

- مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). داده‌ها و

اطلاعات آماری: <https://www.amar.org.ir>

- سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی ایران

(۱۴۰۲). رویدادها و اخبار:

<https://www.mporg.ir/home>

هستند، اتکا بر کنترل حجم پول و نقدینگی به عنوان هدف سیاست پولی و راهکار برای مهار تورم کارساز نیست و زمینه را برای سوداگران و عوامل نامولد مساعد می‌سازد. از این رو توصیه می‌شود سیاست‌گذار پولی برای دستیابی به هدف ثبات قیمت‌ها به سمت الف) اجتناب از تغییرات بدون مقدمه قیمت‌های نسبی و کلیدی (که مهم‌ترین آن‌ها نرخ ارز است) و ب) کنترل نرخ سود بانکی همراه با اصلاحات ساختاری نظام بانکی در راستای تخصیص بهینه منابع اعتباری حرکت کند.

- **محدود کردن بخش نامولد:** بخش نامولد بر شکل‌گیری تورم‌های بالا و پیوسته تأثیرگذار است و محدود کردن آن در رشد تولید و کاهش تورم مؤثر است. از این رو اقدامات زیر برای محدود کردن سیطره فعالیت‌های نامولد بر اقتصاد لازم است.

- سروسامان دادن سریع به اسناد مالکیت و ایجاد ثبت هوشمند و استفاده از اهرم مالیات برای حذف قدرت قیمت‌گذاری‌های دلخواه و سوداگران در بخش زمین و مسکن.
- نظارت جدی و دقیق بر فعالیت‌های مربوط به تجارت خارجی، نظارت بر واردات و انطباق آن با نیازهای تولید و توسعه کشور و تدوین و اجرای استراتژی‌های تجاری کشور در راستای اهداف توسعه‌ای.

بر تورم است (تورم در ایران تنها پولی نیست).